

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: جهاد جلسه هفتاد و یکم تاریخ: ۱۷/۱۲/۸۷

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خاتم الانبياء

والمرسلين سيدنا ونبينا ابي القاسم محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين

المعصومين سيما بقية الله في الارضين واللعن على اعدائهم اجمعين.

روز بسیار مبارکی است. روز آغاز امامت مولایمان امام عصر علیه السلام

از این جهت تبریک عرض می کنیم. بسیار روز مبارکی است. بحث ما

در این بود که فقهای ما (اعلی الله تعالی مقامهم) در کتاب جهاد، در اینکه

اگر تهاجم نظامی صورت بگیرد باید دفاع انجام شود. ادله ای برای دفاع،

کیفیت دفاع، حالا کیفیت را بعداً مبسوطاً بحث می کنیم. این را بحث کرده

اند. اما خوب در آن زمان ها که این کتب نوشته شده، دیگر تهاجم از

طرف کفار و دشمنان اسلام انحصار به تهاجم نظامی و قتال داشته. آنها

سعی کردند با ذکر ادله از جمله (فَاتُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفَاتُواكُمْ) که

ادله ای مربوط به دفاع نظامی را ذکر کرده باشند. اما گفتیم بر اساس

گذشت زمان تهاجم دشمنان اسلام نسبت به مسلمین تهاجم سیاسی،

تهاجم فرهنگی، تهاجم اقتصادی صورت گرفته و خطر و ضرر اینها برای

مسلمانان از خطر و تهاجم نظامی مسلماً کمتر نیست. نظر اسلام از لحاظ

دفاع در برابر این قبیل تهاجم مورد بحث ماست. که اگر تهاجم فرهنگی

صورت گرفته چه جور باید دفاع کرد. یا تهاجم سیاسی یا تهاجم

اقتصادی. در اینجا عرض می کنیم به اینکه اسلام چون یک دین بسیار

جامع و کامل است اگر توجه و دقت شود در برابر تمام این تهاجم ها

دفاع کامل دارد. اولین نکته این است که در اینجا باید بحث دفع و رفع را

توجه کنیم. دفع یعنی اعدام الشیء قبل وجوده و رفع یعنی اعدام الشیء

بعد وجوده. اسلام طوری اصول خود را تنظیم کرده که در اینجا اصلاً

دفع به عمل می آید. اگر توجه شود. اگر آن سنگرها که اسلام ذکر کرده

حفظ شود اصلاً تهاجم صورت نمی گیرد. نه فرهنگی، نه سیاسی، نه

اقتصادی. ولی وقتی که شما سنگرها را از دست دادید و آن سنگرها در

اختیار دشمن قرار گرفت خوب قهراً معلوم است در هر برخوردی، که

همیشه ما برخورد داریم با دشمنان اسلام، آن ها هیچ وقت علیه ما آرام

نیستند، ساکت نیستند، خاموش نیستند، بی نقشه نیستند. خوب وقتی

دشمنی که آرام نیست، خاموش نیست، نقشه هایی دارد. برای شما هم

سنگرهای معین شده. در این برخوردها شما اگر سنگرهای خود را رها

کنید خوب مسلم و معلوم است که آن سنگرها به دست دشمن می افتد و

نتایج و خطرهایی که عرض کردیم به وجود می آید. ما حالا بچثمان در

همین سنگرهاست. چنین سنگرها از دست داده شد این تهاجمات صورت گرفت.

یکی از سنگرها که عرض کردیم قاعده ی "نفی سبیل" بود. اگر شما مراقب باشید عهد و پیمان و عقد و قراردادی را شما تنظیم نکنید که موجب نفوذ دشمن در جبهه ی شما باشد. قرار و عهد و پیمان و ارتباطی که اقتضا می کند که سیلی دشمن بر شما پیدا کند و مسلم و معلوم است از این سنگر که دست برداشدید وقتی شما آمدید و قرداد و پیمان و عقد و ارتباطی به وجود آوردید که مستلزم سبیل دشمن بر شماست، مسلماً در اینجا چنین چیزی به وجود می آید، آن عواقب به وجود می آید. آن را ما بحث کردیم. قاعده ی نفی سبیل را.

دومین سنگر و دومین اصل این آیاتی است که ما را نمی می کند جداً از تولى با کفار. بعد از اینکه دشمنان را معرفی کرده، عرض کردیم آیاتی که نمی می کند از تولى با دشمنان اسلام. از اول می دانید که وقتی که ما به بچه ها یاد می دادیم اصول و فروع دین را می گفتیم تولى و تبرى. این حرف بیخودی نبود. اما این چون درست شکافته نشد از این جهت کم کم مورد توجه قرار نگرفت. این مسئله ی تولى و تبرى خیلی مهم بود. از ارکان اسلام است ولی چون توجه کامل به آن نشد این بود که تولى و تبرى فراموش شد یا درست شکافته نشد، مفهومی درست روشن نشد. تعداد زیادی از آیات قرآن زیاد است خیلی زیاد است. بعد کلام علامه طباطبایی (رضوان الله علیه) را نقل می کنیم که درباره ی هیچ موضوعی این قدر تشدید و تأکید به عمل نیامده. تولى کفار. تولى را ایشان معنی می کنند که تولى یعنی دو چیز با همدیگر ارتباط داشته باشند نحوه ی ارتباط فرق می کند. گاهی تولى به طوری است که او کمک است و ناصر است و شما منصور هستید این یک نوع تولى است. تولى از نوع کمک خواستن. گاهی تولى طوری است که آن را برای خودتان مولا و سرور قرار دادید، شما تابع آن شدید. این یک نوع از تولى است که آن از شما اطاعت می خواهد. او مطاع است و شما مطیع. این یک نوع است. انواع و اقسام تولى را ایشان ذکر کردند. یادداشت کرده بودم که عرض کنم خدمت شما. آیت الله طباطبایی صاحب تفسیر المیزان، ایشان می فرمایند در تفسیر المیزان جلد پنجم، صفحه ۴۰۰ به بعد، آیه ۵۱ تا ۵۴ از سوره ی مائده سوره ی پنجم قرآن مجید. این آیات خیلی مهمند. این آیات ۵۱ تا ۵۴ در این زمینه است ولی مطالب زیادی دارد. ایشان در جلد پنجم صفحه ی ۴۰۰ به بعد متعرض شده. می گوید ولایت نوعی اقتراپی است از شیء نسبت به شیء دیگر. در فارسی گفتیم ما کلمه ای که به جای این بگذاریم نداریم. ولایت یک نوع اقتراپی است، ارتباطی

است بین دو شیء تقریباً. این کلمه به اندازه ای معنای وسیع دارد که ما می گوئیم مثلاً هم خدا (وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا) و هم می گوئیم علی ولی الله. هم از طرف ما به خدا اطلاق می شود و هم از طرف خداوند اطلاق می شود به افراد. یک معنای وسیعی دارد. یک نوع ارتباط است. ارتباط شیئی به شیئی این انواع پیدا می کند. گاهی به نوع تقوی و انتصار است که می خواهد کمک بگیرد، قدرت بگیرد. آن را می گویند والی و ولی که کمک می کند. به این شخص هم کمک می شود. این یک نوع ارتباط است. گاهی به نحو محبت و این طور چیزهاست. آن ولی می شود محبوب و شما می شوید حبیب. این یک نوع ارتباط است بین حبیب و محبوب مثلاً. گاهی به طوری است که آن را برای خودش سرپرست و زعیم انتخاب می کند. آن می شود مطاع و این می شود مطیع. تمام اینها همان ارتباط است. یک نوعش هم به ولای نَسَب است که از لحاظ نَسَب قریابت دارند با هم. خلاصه یک معنای وسیع دارد. قرآن چون نمی می کند و مطلق هم است به همان معنی عامش قرآن نمی می کند. در این سوره که عرض کردم آیه ی ۵۱ تا ۵۴ سوره ی مائده بحث خوبی دارد این است که اول نمی می کند از تولی کفار. یهود و نصاری و اینها. با شدت نمی می کند. بعد می گوید (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ) ولی شما خداست. پیغمبر خداست. بعد از اینکه نمی می کند از آنها که این ولایت را اتخاذ کنید. ولی شما الله است و رسولش و کسی که در حال نماز است و در حال رکوع مانند حضرت امیر علیه السلام. بعد می گوید (وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُغَالِبُونَ) پشت سرش این کلمه را می گوید کسانی که خدا و رسول را و کسی را که در نماز در حالت رکوع تصدق داد دوست داشته باشد. اینها حزب الله هستند. حزب الله غالبند. این آیه ی ۵۱ تا ۵۴ از سوره ی مائده این بحثها را دارد. خلاصه ایشان از لحاظ این معنی ولایت، قرآن با شدت نمی می کند از تولی کفار. آیات متعدد است. گاهی کفار را می گوید، گاهی از یهود و نصاری می گوید، گاهی اهل کتاب را می گوید و به شدت نمی می کند. در ضمن نمی کردن گاهی از اوقات نصیحت هم می کند، تذکراتی میدهد. (مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بُيُوتًا وَ إِنَّ أَوْلِيَاءَ الْمُؤْمِنِينَ أَتَّيْبُونَ أَوْلِيَاءَ الْكُفَرِ فَإِنَّ الْعِرَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا) آیا کسانی که پناهنده می شوند به کفار، کسانی که کفار را برای خودشان ولی اتخاذ می کنند چی می خواهند؟ اگر اقتدار می خواهند باید بدانند عزت از آن پروردگار متعال است و خلاصه یک تعداد از آیات هم بعد از این از تولی این قبیل مثلها و موعظه ها دارد که اشخاص متوجه شوند و ولایت با کفار پیدا نکنند.

مابیع که در مجاورت هوا قرار بگیرد می شود نخ، می شود تار. اما تارهای بسیار بسیار ظریف. بنده هم ۴۰، ۵۰ سال قبل کتابی نوشته ام به نام "شگفتیهای آفرینش" در باره ی عنکبوت آنجا بحث کردیم. خلاصه عنکبوت با مورچه و موریانه و زنبور عسل فرق دارد. آنها جمعیتی کار می کنند. لانه ی زنبور عسل، لانه ی موریانه و مورچه از عجایب است ولی کار، کار یک جمعی است. اما عنکبوت به تنهایی لانه ی خودش را می سازد. این وقتی می خواهد لانه بسازد یک جا را به عنوان مرکز انتخاب می کند دور آن مرکز از همان تار که از بدن او ترشح کرده دواتری ایجاد می کند، دایره هایی ایجاد می کند. تمام این دایره ها متحد الکرکزند. یعنی مرکز آن همان مرکزی است که اول انتخاب کرده. هر چه این دواتر به مرکز نزدیکند دایره کوچکتر است و هر چه از آن دورتر شود دواتر وسیع تری را به وجود می آورد. محیطها وسیع ترند، بزرگترند. بعداً به عرض همین دواتر باز تار درست می کند در نتیجه مثلتهایی به وجود می آید. و این مثلتها همه شان زاویه شان زاویه ی قائمه است و خیلی مرتب است. منظوم این است که این از لحاظ فاصله های دواتر، از لحاظ فاصله های مثلثات، از لحاظ نظم آن مثلثات بسیار بسیار، بدون یرگار و آلات و ابزار بسیار بسیار منظم است. با اینکه این حیوان نه ریاضی خوانده است نه هندسه، نه معلم دیده است نه مدرسه. خلاصه می تواند چنین چیزی درست کند. خیلی هم با سرعت. در ظرف چند ساعت می بینیم این طور لانه ای درست شد اما این لانه، البته این به درد آن حیوان می خورد گاهی بعضی از حیوانات که از آنجا عبور می کنند این تارها را چسبان می کند خودش. یک ماده دارد که چسبان می کند. آن حیوان که از آنجا عبور می کند پایش گیر می کند به آن. این شکار می کند. این آلت شکار این است. آن وقت می بینیم از آن که شکار کرده از آن شکار استفاده می کند. اما هر چه هست در برابر سرما و گرما و بادها اینها دوامی ندارد. تشبیه قرآن از این جهت است. (مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بُيُوتًا) سوره ی عنکبوت سوره ی ۲۹ قرآن مجید است. (وَ إِنَّ أَوْلِيَاءَ الْمُؤْمِنِينَ أَتَّيْبُونَ أَوْلِيَاءَ الْكُفَرِ فَإِنَّ الْعِرَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا) گاهی این طور می زند. گاهی این طور می گوید (الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتَّيْبُونَ أَوْلِيَاءَ الْكُفَرِ فَإِنَّ الْعِرَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا) شما دلگرم نشوید به این کار، اقدام نکنید برای خاطر اینکه کسانی را که شما ولی خودتان اتخاذ می کنید شما مثل این هستید که پناهنده شدید به خانه ی عنکبوت. خانه ی عنکبوت گرچه ظاهرش خیلی آراسته و منظم و مرتب است، چون عنکبوت، از قسمتهای آخر بدن عنکبوت یک مابعی ترشح می کند. آن

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ) نهي می کند از این. بعد چند تا مطلب درباره ی مکر و حیله و کارهای آنها ذکر می کند. اول اینکه (لَا يَأْلُوَكُمْ خِيَالًا) آنها از هیچ گونه اخلال و فساد درباره ی شما فروگذار نمی کنند. بدانید (لَا يَأْلُوَكُمْ خِيَالًا) خیال یعنی فساد و اخلال. (وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ) دوم دوست دارند که شما در مشقت باشید. دوست دارند شما عقب مانده باشید، در مشقت باشید، زحمت بکشید. (وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ) سوم (قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ) از دهان آنها بغض و کینه و عداوت آنها با کلمات و عباراتی که به کار می برند به دست می آید و روشن می شود. ولی بدانید که چهارم (وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ) آنچه در دل نسبت به شما کینه دارند بیش از آن است که از زبانشان ظاهر می شود. (قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ) این یک تعبیر عجیبی است. اگر عقل داشته باشید ما آیات را برای شما بیان می کنیم ولی به شرط اینکه شما عقل و فهم داشته باشید. این مفاهیم و مضامین را درست درک کنید. تتمه دارد. (ها أَنتُمْ أَوْلَاءِ تُحِبُّوهُمْ) شما آنها را دوست می دارید ولی آنها شما را دوست ندارند. شما خیال می کنید. (ها أَنتُمْ أَوْلَاءِ تُحِبُّوهُمْ) و لَا يُحِبُّوكُمْ وَ تَوَمَّنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ) شما فرقتان با آنها این است که شما به تمام کتابهای آسمانی ایمان دارید. شما تورات را قبول دارید. انجیل را قبول دارید. پیغمبرها را قبول دارید. اما آنها قبول ندارند قرآن شما و کتاب شما را. این مزیت شماست. (تَوَمَّنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأُنْمَالِ مِنَ الْغَيْظِ) به شما که برخورد می کنند خیلی با شما گرم می گیرند و می گویند ما شما را قبول داریم (إِذَا خَلَوْا) وقتی خلوت می کنند و با هم هستند انگشتان خودشان را به دندان می گیرند از غیظ و خشمی که نسبت به شما دارند. غیظ و غضب فرقتان این است که غضب در دل است اما غیظ آن غضبی است که ظاهر شده است. این فرق بین غیظ و غضب است. (قُلْ مُؤْتُوا بَعْضِكُمْ مِنْ بَعْضِكُمْ) این شعار قرآنی است به جای مرگ بر فلان می گویند (قُلْ مُؤْتُوا بَعْضِكُمْ مِنْ بَعْضِكُمْ) به آنها بگویند که (مُؤْتُوا بَعْضِكُمْ مِنْ بَعْضِكُمْ) بندگان خدا دارند (إِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ) اگر به شما خوبی برسد آنها بدشان می آید از ترقی شما، پیشرفت شما ناراحت می شوند. (إِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا) ولی اگر شما گرفتاری پیدا کنید مشکل داشته باشید خوشحال می شوند. این کلام خداست. (إِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا) حالا یک کلمه، آن کلمه هم این است که در چند جای قرآن این کلمه هست. این همان حفظ سنگر است. (وَإِنْ تُصِيبُوا وَتَنْقَسُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا) شما دو چیز را لازم دارید. صبر به معنی استقامت است. اگر

تعدادی از آیه های قرآن نقشه های کفار را ذکر می کند. شما مواظب باشید آنها علیه شما نقشه دارند. این نقشه ها که ذکر شده از این قبیل (وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْلِبُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً) کفار خیلی دوست دارند شما غافل بمانید از سلاحهایی که دارید شما مسلمانان سلاحهای فراوان دارید نفت یکی از سلاحهای شماست از سلاحهای شماست. (وَ أَمْتِعَتِكُمْ) و متاعهایی دارید که آنها ندارند آنها خیلی دوست دارند که شما توجه نکنید به اینها و اینها را در اختیار آنها قرار دهید. (فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً) آیه ی ۱۰۲ از سوره ی نساء است این آیه. (وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِتُونَ) دوست دارند شما با نرمش با آنها برخورد کنید. آنها هم با نرمش، حالا زیر نقاب این نرمش ها مکرها و ترفندهای خودشان را اعمال کنند. (وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا) خیلی از اهل کتاب یهود و نصاری دوست دارند که شما از دین خودتان دست بکشید و مثل آنها کافر باشید. چون (وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ) آنها با دین شما کار دارند. دین شما برای آنها مشکل ساز است. آنها می خواهند طوری شود که شما از دینتان دست بردارید. تمام جریان ها برمی گردد به دین شما. از اول هم آنها با دین شما مخالف بودند و تسلیم نشدند. جنگ صلیبی به وجود آوردند به خاطر همان دین شما. بالاخره هر چه بوده بخاطر دین شما بوده. دین شما را آنها تحمل نمی کنند. تابع نمی شوند، تحمل نمی کنند. برای آنها مشکل ساز است این است که (وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا) دوست دارند که شما بعد از اینکه ایمان آوردید کافر شوید و بدانید (وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ) آنها هیچ وقت از شما راضی نخواهند شد تا تابع آنها شوید و از دینتان دست بردارید. آیه ی ۱۲۰ سوره ی بقره. (وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكْفُرُونَ سِوَاءِ) دوست دارند که شما کافر شوید مثل آنها. آیه ی ۸۹ سوره ی نساء است. (وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ) خلاصه قسمتی از آیات قرآن در ذکر نقشه ها و ترفندها و مکرها و حیله های آنهاست. این آیات قرآن برای ما خیلی مهم است که بفهمیم توجه کنیم. هر چند بعضی ها فکر کردند که دقت در آیات قرآن فقه نیست و ما باید فقه بخوانیم. ولی چه فقهی بهتر از اینکه خود قرآن که ریشه ی فقه ماست در این دقت بکنیم. آیه ی ۱۱۸ سوره ی آل عمران تا آیه ی ۱۲۰. آیه این است که (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ) "بطانه" در برابر "الظهاره"، ظهاره به لباس رو می گویند. بطانه به لباس زیر می گویند. به بدن می چسبد. کنایه از این است که آنها را محرم اسرار خودتان، رازهای خودتان، خصوصیات خودتان قرار ندهید.

ولی اختلاف امت مسلمان ثلاث و سبعین فرقه است. اختلاف و افتراق در این امت بیش از امتهای دیگر است و تأکید قرآن به وحدت با تأکید فراوان، بالاخره منتهی شد به این جریانی که این همه اختلاف به وجود آمد. بعد می آید سراغ این که می گوید از ملاحم قرآنی است که نهی از تولی کفار با این شدت. ولی تولی کفار به طوری شد که مسلمانها اسلام خودشان را از دست دادند. چون هم تحت استیلاى فرهنگى کفار واقع شدند، هم تحت استیلاى سیاسى، هم تحت استیلاى اقتصادى واقع شدند. و ایشان می گوید این از ملاحم قرآن کریم است. بعد رفته و اخبار آخرالزمان را ذکر کرده. اخبار آخرالزمان را از تفسیر قمی نقل می کنیم. قدیمی ترین تفسیر ما، تفسیر علی بن ابراهیم قمی است. در سوره محمد ﷺ در این کلمه ی ( فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا )، بله ( فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا ) این عبارت در سوره ی محمد ﷺ است. در آنجا ایشان می گویند به اینکه "ساعة" یعنی آخرالزمان. و روایات آخرالزمان را ذکر کرده. یک روایت بسیار مفصلی است که بنده شمرده شصت و چهار موضوع را که در آخرالزمان به وجود خواهد آمد. پیغمبر ﷺ در حجة الوداع آمده اند نزدیک خانه ی کعبه که مردم همه جمع بودند «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشْرَاطِ السَّاعَةِ» شروع کردند به بیان کردن نزدیکترین شخص هم به پیغمبر ﷺ سلمان بود در آن جمع. پیغمبر ﷺ می گفتند «ان ذلک لکائن» پیغمبر می گفتند «ای والله» می گفت «ان ذلک لکائن» پیغمبر ﷺ می گفتند «ای والله» که تقریباً ۶۴ موضوع را ذکر کردند. حالا بنده آدرس آیت الله طباطبایی را عرض کنم. بحث امروز تمام شود که چند جا این مطلب را گفته اند. جلد پنجم المیزان، صفحه ۴۰۲. جلد سوم، صفحه ۱۶۲. جلد پنجم تفسیر المیزان در تفسیر آیه ی ۵۱ تا ۵۴ از سوره ی مائده گفتیم که خیلی مطلب دارد. مثلاً می گوید درباره ی ولایت (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) ولی یک کلمه هست که (الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ) همین نگرانی از جهت انحرافی بود که در مسیر ولایت واقع شد. خلاصه در تفسیر المیزان جلد پنجم، آیه ی ۵۱ تا ۵۴ از سوره ی مائده، ۱۵، ۱۰ صفحه ایشان در این مورد مطلب دارند. همین مطالب که عرض کردیم. آن وقت ایشان می فرمایند خلاصه اینکه علت اینکه مسلمانها ضعیف شده اند و عقب هستند و استیلاى دشمنان صورت گرفت ایشان بیان می کنند. بقیه ان شاء الله برای فردا.

استقامت داشته باشید، در بسیاری از جاهای قرآن صبر به معنی این نیست که انسان بنشیند و زانو به بغل بگیرد و تحمل کند. نه استقامت داشته باشید. کار کنید ولی بر اساس استقامت. (وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا) و دیگر در راستای تقوا، تقوا یک معنی جامع است. تمام آنچه ما می گوئیم به کار بیندیم می شود تقوا. جامع است دیگر. اگر شما این سنگرها را حفظ کنید کید آنها به شما ضرر نمی رسانند. (وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ) یک جای دیگر قرآن است که (وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ) صبر و تقوا عزم و اراده می خواهد. اگر با اراده ی خودتان و تصمیم خودتان (تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا) آن وقت تمام است و تمام کارها حل است. حالا ما با توفیق پروردگار بچثمان در این آیات است که عرض کردیم.

مطلب مهمی که در اینجا داریم این است. کلام آیت الله طباطبایی که ایشان در چند جای قرآن این مطلب را تأکید می کند که تشدید و تأکید مهمی به عمل آمده نسبت به تولی کفار، که هیچ چیزی ایشان می گوید: زنا و شرب خمر و فلان و فلان. می گوید درباره ی هیچ گناهی به اندازه ی دو گناه در قرآن تشدید به عمل نیامده. یکی ربا است، از جنبه ی اقتصادی. خیلی مهم است. الان تمام دنیا آلوده به ربا است که این همه جریان ها به وجود می آید. همین جریانی که الان در اروپا و آمریکا درباره ی اقتصاد غوغا می کند ریشه اش همان رباخواری است. رباخواری این طور در آورده. هنوز هم من معتقدم که بانکهای ایران هم از ربا منزّه نیست. خلاصه یکی مسئله ی تشدید درباره ی ربا است. یکی تشدید در تولی اعداء الدین است. آیت الله طباطبایی چند جا این مطلب را گفتند که به عرض محترم می رسانیم. یکی، ایشان می فرمایند: ملحمه ی قرآنی است. ملحمه جمعش ملاحم است. یعنی وقعه ی بزرگ و عظیمی که باعث گرفتاری و مشکلات می شود در آخر الزمان. ملاحم آخرالزمان همین است. ایشان می فرمایند که با ممارست که در آیات قرآن ما داشته ایم به دست آوردیم که هر کجا خداوند یک مطلب را تکرار کند با تأکید، این یک نگرانی است. که بعداً آن جریان به وقوع خواهد پیوست. هشدار مهمی که بدانید چنین چیزی به وجود خواهد آمد در برابر شما، به وظیفه تان عمل کنید. چند تا مثال می زنم. اول می گوید قرآن خیلی تأکید دارد به "مودت فی القرئی" نسبت به اهل بیت خیلی تأکید کرد. اما بالاخره نشد و اهل بیت کنار زده شدند و مظلوم شدند و این چنین است. دوم تأکید فراوان به وجود و اتحاد مسلمانها. ولی نشد. و ایشان می گوید به اینکه ما روایت داریم که امت حضرت موسی اختلاف علی احدی و سبعین. حضرت عیسی اثین و سبعین یا اثنتین و سبعین.